

روزی که خرمشهر آزاد شد...

خرمشهر؛ شهری که پس از ۵۷۸ روز تصرف توسط نیروهای عراقی، در سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ در عملیات بیت المقدس که بزرگترین عملیات نیروهای مسلح در جنگ ایران و عراق محسوب می‌شود، آزاد شد.



ایسنا/خوزستان - خرمشهر؛ شهری که پس از ۵۷۸ روز تصرف توسط نیروهای عراقی، در سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ در عملیات بیت المقدس که بزرگترین عملیات نیروهای مسلح در جنگ ایران و عراق محسوب می‌شود، آزاد شد.

به مناسبت حماسه تاریخی سوم خرداد ماه، پای صحبت رزمنده اهوازی که در عملیات بیت المقدس حضور داشت نشستیم. عبدالامیر خوانساری در گفت و گو با ایسنا، اظهار کرد: متولد سال ۱۳۴۲ هستم. از زمان تشکیل پایگاه های بسیج پس از فرمان امام (ره)، در پایگاه حضرت جواد الائمه پادادشهر به عضویت بسیج درآمدم و پس از آموزش نظامی در ۱۶ سالگی به جبهه رفتم و ۸۳ ماه و ۱۱ روز در جبهه ماندم و در مقابل دشمنان جنگیدیم.

وی افزود: در عملیات های مختلف از جمله ثامن الائمه، آزادسازی بستان، فتح المبین، بیت المقدس، والفجر و کربلا ۵ حضور داشتم.

این رزمنده اهوازی با اشاره به انجام چهار مرحله عملیات بیت المقدس به منظور آزادسازی خرمشهر، گفت: عملیات بیت المقدس با رمز یا علی بن ابی طالب آغاز شد. نخستین مرحله ۱۰ اردیبهشت ماه، مرحله دوم ۱۸ اردیبهشت ماه، مرحله سوم ۲۲ یا ۲۴ اردیبهشت ماه و مرحله چهارم که منجر به آزادسازی خرمشهر شد، دوم خردادماه بود.

خوانساری بیان کرد: در مرحله اول عملیات در مسیر جاده اهواز - خرمشهر از دب حردان به سمت خط دفاعی عراق حمله کردیم. مرحله بعدی عملیات بیت المقدس، منتهی به آزادسازی بخش وسیعی از جاده اهواز - خرمشهر شد.

وی ادامه داد: در مرحله آخر یعنی یکم و دوم خردادماه، به منظور جلوگیری از تجمع نیروی عراقی، در برابر اعزام نیرو از خرمشهر و مناطق دیگر، در پاسگاه زید در قالب گردان کربلا مستقر شدیم و عملیات مستمری انجام دادیم. عملیات در پاسگاه زید باعث شد تمرکز عراق در دفاع از خرمشهر از بین برود.

این رزمنده افزود: در این شرایط، استراتژی جنگ بر این بود که از محورهای دیگر نیز خط دفاعی عراق را بزنیم تا فرماندهی جنگ عراق، نتواند از نیروهای خطوط دیگر خود برای دفاع از خرمشهر استفاده کند. در شب یکم و دوم خرداد ماه در منطقه پاسگاه زید ایران با بخشی از نیروهای زنده گردان کربلا و سایر نیروهای ارتش به خط دفاعی عراق حمله کردیم و این کار منجر به این شد، خطوط دفاعی عراق در مقابل پاسگاه زید بسیار شلوغ شود. عراقی ها از غروب با منور، منطقه را روشن می کردند تا نیروهایشان تمرکز بیشتری به جلوی خود داشته باشند؛ باوجود اینکه هواپیماهای عراقی مرتب منورهایی می زدند ولی ما به خط مقابل پاسگاه زید حمله می کردیم.

خوانساری بیان کرد: بزرگی هر کدام از این عملیات، شاید به اندازه عملیات ثامن الائمه بود. مجموع عملیات بیت المقدس منجر به آزادسازی حدود پنج هزار کیلومتر از اراضی اشغال شده، شد. ایران در تمام مراحل عملیات، هم گذشتن از رودخانه کارون و هم هماهنگی بین نیروهای ارتش، سپاه و بسیج کار بزرگی انجام داد.

وی گفت: در مرحله اول نیروها موفق شدند از روی رودخانه کارون عبور کنند و با گذشتن از کارون به جاده خرمشهر رسیدند. در این مرحله بخشی از جاده اهواز - خرمشهر آزاد شد و تعدادی از نیروهای عراق در محاصره ماندند. در مراحل مختلف عملیات بیت المقدس بالغ بر ۱۹ هزار نفر اسیر گرفتیم که بیشترین تعداد اسرا در آخرین مرحله عملیات بود. در آخرین مرحله عملیات بیت المقدس تعداد زیادی نیروی عراقی در محاصره نیروهای ایرانی ماندند که تعدادی خود را به اروندرود انداختند و کشته شدند. بخشی نیز با قایق فرار کردند که مورد آماج حمله تکاورهای نیروی دریایی قرار گرفتند و بخشی ترجیح دادند اسیر شوند اما کشته نشوند.

این رزمنده تصریح کرد: حجم تجهیزاتی که در عملیات بیت المقدس به غنیمت نیروهای ایرانی درآمد، شاید به اندازه ای باشد که شاکله سپاه از نظر لجستیک را تشکیل می دهد. همچنین تعداد هواپیماهایی عراقی که در عملیات بیت المقدس سقوط کردند بیشترین آمار را دارد و حدود ۳۶ هواپیمای عراقی در عملیات بیت المقدس سقوط کرد.

خوانساری بیان کرد: عراقی ها سه تا چهار بار سعی داشتند از جاده شلمچه به خرمشهر نفوذ کنند اما نتوانستند حلقه محاصره و خطوط دفاعی ایران را بشکنند و تعداد زیادی عراقی در خرمشهر گرفتار شدند.

وی با اشاره به تاثیر عملیات هوانیروز در آزادسازی خرمشهر، عنوان کرد: در عملیات بیت المقدس از فداکاری های نیروهای هوانیروز در پشتیبانی از نیروهای زمینی، نباید غافل شویم. بخش زیادی از آزادسازی خرمشهر مدیون نیروی هوا نیرو ایران است. یکی از خلبان های رشید ایران موفق به انهدام پل شناور عراق روی اروند شد. انهدام این پل، عامل شکست خط ارتباطی عراق و آزادسازی خرمشهر بود.

این رزمنده با اشاره به خاطره ای از حضور در مرحله نخست عملیات بیت المقدس، گفت: در دب حردان عراق دژ بزرگی با گونی خاکی به ارتفاع سه متر توسط نیروهای عراقی احداث شده بود؛ در این قسمت، میدان مین جلوی مان و تیربارها روی سرمان بود. تخریب چی ها باید مسیر باز می کردند. از سمت راست هم نهر بزرگی بود. زمانی که به ما گفتند به خط دفاعی حمله کنیم، باید از روی شهدای خودمان رد می شدیم و می رفتیم.

وی افزود: در این شرایط یک تیربارچی به نام مسعود عباسی داشتیم و چند آرپی جی زن خود را آماده کرده بودند که فرماندهی گروهان دستور داد حمله را شروع کنیم. تیربارچی ما بسیار هیکلی بود به گونه ای که لباس هایی که برای رزمندگان می آوردند اندازه او نبود و باید برای او لباس مخصوصی می دوختیم. او بلند شد و تیربار را به سمت نیروهای عراقی گرفت و در این فاصله آرپی جی زن ها جرات پیدا کردند و چندین گلوله به سمت سنگر تیربارچی عراقی زدند.

خوانساری ادامه داد: در این شرایط نیروها بلند شدند و از روی پلی که روی نهر بود عبور و وارد خط دفاعی عراق شدند؛ وقتی وارد خط دفاعی عراق شدیم اسلحه یک افسر عراقی تیر نداشت و با بوکس به نیروهایمان حمله کرده بود. مانده بودیم این افراد با خود چه فکر می کنند که کشوری را اشغال کردند و بی پروا با دست به بچه ها حمله کردند.

این رزمنده گفت: شجاعت تیربارچی ما باعث شد آرپی جی زن ها به عراقی ها حمله کنند و از خط دفاعی عراق بگذریم و وارد دیگر خطوط دفاعی شدیم؛ شجاعت و تهور آقای عباسی که از بچه های منطقه حصیرآباد بود، در ذهن همه بچه های گردان کربلای اهواز مانده است.

وی عنوان کرد: در مرحله اول به عنوان نیروی عمل کننده بودیم؛ یعنی به خط عراق حمله کردیم اما در مراحل بعدی، از مناطق آزاد شده نگهداری می کردیم. در مرحله چهارم برای اینکه تمرکز نیروهای عراقی را در سایر جبهه های جنوب از بین ببریم و از کمک سایر نیروهای عراقی در حفظ خرمشهر جلوگیری کنیم، در سایر منطقه هایی که نیروهای عراقی حضور داشتند، عملیات انجام می دادیم. در منطقه پاسگاه زید با گروه های مشترک در سایر محورهای منتهی به خرمشهر عملیات انجام می دادیم زیرا اگر فقط بر خرمشهر تمرکز می کردیم ممکن بود از سایر جبهه ها نیرو بفرستند.

خوانساری ادامه داد: همه رادیو بغل گوشمان بود و مانند کبوترهایی بودیم که در قفس گیر افتاده اند. روزی که خرمشهر آزاد شد در خطوط دفاعی مان بودیم و آزادسازی خرمشهر را از رادیو گوش دادیم. ما از آزادسازی خرمشهر خوشحال شدیم اما از اینکه نمی توانستیم در خرمشهر باشیم ناراحت بودیم و اکنون نیز وقتی این خاطرات را مرور می کنیم چنین حسی داریم.

این رزمنده در مورد وضعیت جانبازی اش، گفت: در طول جنگ چهار بار مجروح شدم که در ابتدا جانباز ۶۰ درصد بودم و تقریباً ۲۰ سال پیش وضعیت جانبازی ام تغییر و ۴۰ درصد تعیین شد. اکنون وضعیت جانبازی ام توسط بنیاد جانبازان زیر سوال رفته است. با گذشت حدود ۳۶ سال بعد از جنگ بنیاد جانبازان از من گواهی بستری در بیمارستان را می خواهد که این مساله فاجعه است. بنیاد جانبازان که متولی امور جانبازان است پس از این همه سال چنین چیزی از ما می خواهد تا احراز جانبازی را انجام دهد.

خوانساری گفت: ما هفته جنگ، روز جانباز و ... داریم اما متولیان جنگ آیا پس از جنگ سراغ کسانی که سال ها در جنگ بودند آمدند یا یک نفر به سراغ آنها آمد تا بگوید دست مریزاد؟

این رزمنده اهوازی تصریح کرد: سختی های جنگ و بدبختی های ناشی از جنگ را دیدم و امیدوارم هیچ وقت دوباره دچار جنگ نشویم و کشورمان از وضعیت کنونی پیش روتر باشد وضع اقتصادی مردم از این وضعیتی که درگیرش شدند، به بهبودی برود. جنگ بهترین جوانان را که پتانسیل یک کشور هستند را می گیرد و باعث می شود از نیروهای جوان که

مولد اقتصادی هستند، محروم شویم.

خوانساری بیان کرد: شهدا کسانی بودند که بهترین موهبت زندگی خود را فدا کردند و نبود آنها برای ما بسیار سخت است. همچنین تعداد زیادی از رزمندگان سلامتیشان را از دست دادند و با عوارض جنگ دست و پنجه نرم می کنند اما متأسفانه در روزگاری گیر افتادیم که مسئولان به توصیه های رهبران عمل نمی کنند. احساس می کنم دوستان ما فداکاری افرادی که در جنگ بودند را فراموش کردند.